



بررسی و تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های نظام آموزش و پرورش در جریان فرایند

یاددهی - یادگیری در عصر نوین

سمیه متقی الحق^۱

چکیده

یونسکو، آموزش را یک حق انسانی می‌داند. حق آموزش در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در اسناد یونسکو مورد تاکید قرار گرفته است. آموزش و پرورش کشورهای مختلف در زمینه نیروی انسانی با چالش‌های متفاوتی مواجه هستند امروزه آموزش هم در محتوا و هم در شکل دچار تحول شده است؛ تکنولوژی‌های ارتباطی جدید دیوار بین آموزش‌های خانه و مدرسه را از میان برداشته‌اند و انحصار نظام آموزشی شکسته شده است. یادگیری با محوریت دانش آموز و دانشجو در کشورهای توسعه یافته، به تدریج جایگزین یاددهی با محوریت معلم و استاد می‌شود. لذا هدف از پژوهش حاضر بررسی «چالش‌ها و فرصت‌های پیشروی نظام آموزش- و پرورش در جریان فرایند یاددهی - یادگیری در عصر حاضر» می‌باشد. روش پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای یا اسنادی می‌باشد. نحوه تحلیل داده‌ها نیز مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که لذا تا رسیدن به حل چالش‌ها در فرایند یاددهی-یادگیری نیازمند پنج گام اساسی می‌باشیم: شناخت تحول در آموزش و پرورش در عرصه‌ها و راهکارهای جدید آن؛ نیازسنجی کلان آموزش و پرورش؛ ارائه خدمات به کل عوامل تأثیرگذار در نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر نتایج نیازسنجی؛ بازخورد و ارزیابی خدمات ارائه شده؛ استفاده از خرد جمعی [1].

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش، چالش‌ها و فرصت‌ها، عصر حاضر، یاددهی-یادگیری.

¹ کارشناس ارشد علم اطلاعات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحقیقات و علوم، تهران



۱- مقدمه

امروزه معلمی تنها شغلی است که وظیفه آموزش، تولید دانش و توسعه را به عهده دارد. از معلمان در قرن ۲۱ انتظار می‌رود که عامل توسعه باشند و کودکان را از فقر و جهل نجات دهند و نیز کلیه افراد جامعه را به سواد پایه مجهز کنند تا زمینه را برای توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع فراهم نمایند (مشایخ، ۱۳۶۹: ۲۰). معلمان باید مهارت لازم را در نیروی کار فراهم آورند. در عصر جهانی شدن از معلمان انتظار می‌رود که تأثیرات منفی جامعه اطلاعاتی را از بین ببرند و دانش‌آموزان را با فرهنگ مجازی جامعه آشنا کنند و خلاصه اینکه ابعاد اجتماعی، عاطفی، فنی و عقلانی دانش‌آموزان را به مناسب‌ترین شکل خود پرورش دهند. با توجه به این انتظارات، در عصر جهانی شدن، معلمان کماکان از ضروریات نظام آموزشی هستند و کیفیت آموزش تا حدود بسیاری به کیفیت تدریس و تلاش معلمان بستگی دارد. درست به گونه‌ای که کارگران مطاع به صورت عامل کلیدی در تولید و فرآیند صنعت مؤثر هستند، آموزش و پرورش نیز به طور منطقی به کیفیت سرمایه انسانی، یعنی معلمان، بستگی پیدا می‌کند. واضح است که والدین نیز در هر راهبرد آموزشی، سهم مهمی دارند، اما اغلب، والدین انتظار دارند که معلمان به فرزندان آن‌ها آموزش دهند. اگرچه شغل معلمی بسیار حساس است، سیاست‌گذاران آموزشی نیز نیاز دارند که تصویر روشنی از معلمان خود داشته باشند و نیز بدانند که معلمان چگونه به جایگاه خود در نظام آموزشی نگاه می‌کنند و نوع مشوق‌ها، قوانین و مقررات و آموزش‌هایی که تلاش آن‌ها را افزون می‌کند و توانایی آن‌ها را در انتقال دانش به شاگردان بهبود می‌دهد و همچنین منزلت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی آن‌ها را محاسبه می‌کند کدام است. در یک جامعه نوپیدا، درک این مسأله مهم است که مدیران دانا و توانا، به معلمان، به مصداق چراغ راهنمای جامعه بنگرند؛ زیرا معلمان هستند که دانایی تولید می‌کنند. در نتیجه، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران باید به ضرورت «تغییر معلمان برای جهان در حال تغییر بیندیشند». چهارمین گزارش یونسکو در زمینه آموزش و پرورش جهان، تحت عنوان (معلمان و تدریس در جهان در حال تغییر) اختصاص دارد. بررسی نقش و منزلت اجتماعی معلمان در جهانی که دستخوش تغییرات سریع است، به ویژه تغییر در زمینه ارتباطات و اطلاعات، موضوعی است که آشکارا بر جایگاه و موقعیت معلمان تأثیر می‌گذارد. این گزارش اعتبار اظهاراتی را که به کرات، در مورد کاهش منزلت اجتماعی معلمان شنیده می‌شود به تفصیل بررسی، و با استدلال بیان می‌کند که آنچه در حال حاضر در اکثر کشورها از معلمان انتظار می‌رود متناسب با پاداش‌هایی که به معلمان داده می‌شود نیست. معلمان، نه تنها به سبب تعدادشان، بلکه بیشتر به دلیل آنکه ضامن تعلیم و تربیت نسل‌های آینده هستند، نیروی مهم جامعه تلقی می‌شوند و فقط از راه حمایت بیشتر از معلمان است که می‌توان از آنان انتظار فزون‌تر داشت تا نتیجه حاصل شود. نظام آموزش و پرورش، به عنوان یکی از اهرم‌های مهم توسعه و پیشرفت، شامل مجموعه‌ای از نیروهای انسانی از جمله معلمان، مدیران و برنامه‌ریزان است که برای تحقق اهداف آموزشی از پیش تعیین شده فعالیت می‌کنند. در این مجموعه معلمان به سبب درگیری فعال با دانش‌آموزان اساسی‌ترین وظیفه را در فرآیند آموزش و پرورش عهده‌دار هستند، بنابراین پویایی و اثربخشی این فرآیند تا حد زیادی به معلمان بانگیزه و خشنود از شغل خویش وابسته است (کدیور و ابراهیمی‌قوام، ۱۳۸۳: ۳۷). [2]



در مراجعه به آمار و ارقام کشورهای پیشرفته جهان درمی یابیم که آنچه باعث رشد سریع علم و آگاهی در دنیای امروز است حاکی از سرمایه گذاری روی نیروهای انسانی و استعدادهاست و این سرمایه گذاری را از چند جهت می توان ارزیابی کرد. هر جامعه ای عده ای نیروی مستعد و جوان دارد. کودکان و نوجوانان سرمایه های عظیم یک کشورند که اگر در زمینه های مساعد پرورش یابند، خود زمینه های ترقی و رشد کشورها می شوند و لذا تعلیم و تربیت در عصر جدید باید جوابگوی نیازهای اقتصادی جامعه باشد و به همین جهت قبل از تعیین هدف ها باید این گونه نیازمندی ها مشخص شوند و هدف های آموزش و پرورش در جهت رفع احتیاجات اقتصادی به نحوی مطلوب، راهنمای طراحان برنامه های توسعه باشد. «تولید دانش نظری به جای تولید کالا، رشد بی سابقه علوم و فناوری، کشورهای پیشرفته را به صورت جوامعی درآورده است که محور آن ها، دانش است و درواقع دانش و تولید آن، وظیفه و سرمایه اصلی این کشورها را تشکیل می دهند. محور شدن دانش بر ساختار سازمان ها و زندگی مردم تأثیرگذار است. بسیاری از کشورهای توسعه یافته، حدود یک پنجم تولید ناخالص ملی خود را به تولید و اشاعه دانش اختصاص داده اند. آموزش رسمی مدرسه ای، یعنی دوره های ابتدایی و متوسطه که کودکان و جوانان قبل از پیوستن به نیروی کار طی می کنند، حدود یک دهم از تولید ناخالص ملی این کشورها را به خود اختصاص می دهند. درحالی که این نسبت در خلال جنگ جهانی اول، چیزی در حدود ۲ درصد تولید ناخالص ملی بوده است. همین طور، ۲ تا ۳ درصد تولید ناخالص ملی این کشورها نیز، به منظور تولید دانش و فناوری جدید، به امور تحقیقات و توسعه اختصاص پیدا می کند. (دراکر، ۱۹۹۳) همه این سرمایه گذاری ها به خاطر آن است که آموزش بتواند دانشمندان و متخصصانی تربیت کند که از یک طرف به تولید دانشی نو بپردازند و از طرف دیگر توانایی اداره فناوری های جدید را به دست آورند» (لهسایی زاده، ۱۳۸۲ : ۱۰۲). [3]

فرج زاده، میرزایی و کمالی (۱۴۰۲) در پژوهش خود با عنوان «شناسایی چالش های یاددهی-یادگیری مجازی در آموزش و پرورش دوره ابتدایی» به این نتایج دست یافتند که با برنامه ریزی و سیاست گذاری صحیح در حوزه های فناوری، پداگوژیکی و اخلاقی، تا حد زیادی از مشکلات یاددهی-یادگیری مجازی در نظام آموزش و پرورش کاست.

نظری، احمدی و عباسی (۱۳۹۵) در تحقیق خود با عنوان «تحلیل چالش های فراروی آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن با استفاده از مدل واردن» به این نتیجه دست یافتند که مولفه هایی چون: تغییر ماهیت علم، بحران هویت، تضعیف بنیاد خانواده، تغییر سبک زندگی دانش آموزان و تضعیف محوریت مدرسه، دین زدایی و ترویج مطالب ضد اخلاقی را می توان از مهم ترین چالش های پیش روی آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن به شمار آورد.

صبوری خسروشاهی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن؛ چالش ها و راهبردهای مواجهه با آن» نتایج تحقیقات به دست آمده در مورد نحوه تأثیرگذاری «جهانی شدن» بر آموزش و پرورش ایران و عمده ترین چالش های احتمالی که نظام آموزش و پرورش ما در آینده با آن روبه رو است، نشان می دهد با اتخاذ راهبردهای آموزشی مطلوب و مؤثر که در این

مقاله به آن اشاره می شود، می توان بر چالش های پیش رو فایق آمد. [4]



۲- روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای یا اسنادی می‌باشد. نحوه تحلیل داده‌ها نیز مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی است. [5]

۳- یافته‌ها

انواع مدارس در نظام آموزش و پرورش



شکل یک : انواع مدارس در نظام آموزش و پرورش

ضرورت تحول و توسعه آموزش و پرورش با توجه به توسعه جهانی

رابطه جدید معلم و یادگیرنده

آموزش و پرورش خارج از محیط خانواده، در گذشته‌های دور فقط دو طرف اصلی داشته است: معلم و شاگرد. معلم، با توجه به خواسته‌های والدین و رسالتی که برای خود قائل بود، فقط سازمان‌دهنده و مجری فعالیت‌های آموزشی به شمار می‌رفت. در دنیای امروز با تحول آموزش و پرورش از نهادی غیررسمی و خصوصی به نهادی رسمی و عمومی، کار تعلیم و تربیت به فعالیتی گروهی تبدیل شده است که در سطوح مختلف آن، افرادی با تخصص‌های گوناگون مشارکت دارند. برخلاف گذشته که آموزش مبتنی بر معلم‌محوری بود، در عصر کنونی، بر آموزش با شیوه دانش‌آموز‌محوری تأکید می‌شود؛ یعنی در امر آموزش و پرورش متری حرف اول را می‌زند و لذا توجه به نزدیکی بیشتر مربی و متری امری لازم و ضروری است.

«تغییر در نقش معلم از یک منتقل‌کننده دانش به یک مشاوره راهنما و مدیر یادگیری، مستلزم مسئولیت‌پذیری فراگیر در فرآیند یادگیری است. با تغییر در روش آموزش از آموزش رقابتی به روش مشارکتی، حرکت به جنبه‌های مختلف محیط‌های جدید



یادگیری در مدارس آغاز شده است. فراهم کردن یک «شبکه رایانه‌ای» هدف نهایی آموزش در قرن بیست و یکم نیست، بلکه فراهم کردن یک «شبکه اجتماعی» شامل والدین، دانش‌آموزان، کارکنان و سایر افراد جامعه محلی، هدف است.» (عظیمی، ۱۳۸۲ : ۲۲)

تأثیر مثبت زنان مسلمان بر روند آموزش و پرورش دختران

در بعضی از فرهنگ‌های موجود در جامعه ایران و دیگر کشورها، «پدران به دخترانشان اجازه تحصیل نمی‌دهند و لذا بحث آموزش و پرورش همگانی، که با دید جنسیتی به آن نگاه نباید کرد، امری مهم و ضروری است؛ زیرا آموزش همگانی و فراگیر به منظور ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر در مورد تضمین حقوق یادگیرندگان، علی‌رغم ویژگی‌ها و دشواری‌های فردیشان بحث می‌کند. معلمان زن به منزله الگو عمل می‌کنند، و آن‌ها را ترغیب می‌نمایند تا میزان سطح مطالعه خود را افزایش دهند. همچنین معلمان زن می‌توانند حامیان کارآمدی برای دختران باشند؛ زیرا آن‌ها شناخت بیشتر و دقیق‌تری از دختران دارند. پس ضرورت «جذب، آموزش و استخدام معلمان زن، به خصوص افزایش سهمیه مراکز تربیت معلم و ایجاد فرصت‌های توسعه حرفه‌ای آن‌ها، یک راهبرد مهم است؛ به خصوص اگر بتوانیم با ایجاد انگیزه‌ها و اختصاص بورسیه‌های تحقیقاتی برای زنان کاری کنیم که آن‌ها به عنوان معلم تربیت شوند و در مناطق محروم و روستایی خدمت کنند، و نهایتاً تلاش در جهت توسعه اقدامات سازنده برای استخدام زنان به عمل آید.» (همان، ۲۵)

ضرورت تمرکززدایی در آموزش و پرورش به عنوان یک چالش پیش رو

افزایش رشد جمعیت و در پی آن افزایش تقاضا برای خدمات آموزشی، به افزایش پیچیدگی دیوان‌سالاری‌های آموزشی منجر می‌شود و به دنبال این مسأله، دولت‌ها نیز، در پاسخگویی سریع و مناسب به نیازهای مردم جامعه یا مناطق خاص، با مشکلات روزافزون روبه‌رو می‌گردند و گسترش مستمر این امر در سطح محلی، سازگاری با شرایط و رفع نیازهای منطقه و میل به خودکفایی در مردم منطقه را به وجود می‌آورد. از این رو، تمرکززدایی و تفویض اختیار راهگشای رفع این دشواری‌ها تلقی می‌شود و می‌تواند پایه‌ریزی یک نظام آموزشی پاسخگوتر، کارآمدتر و کارا تر را نوید دهد. «تمرکززدایی و تفویض اختیارات به مدیران آزادی عمل می‌دهد تا براساس نیازهای مدرسه تصمیم‌گیری کنند و این امر سبب بهبود کیفیت آموزش می‌شود و تمرکززدایی و تفویض اختیارات توان افراد برای دخالت و تصمیم‌گیری در مورد زندگی و سرنوشت خود را افزایش داده و به پرورش افراد کارآمد و شایسته برای قبول مسئولیت‌های اجتماعی کمک می‌کند.» (رابسون ماتیون، ۱۳۸۵ : ۲۴)



تلاش برای ایجاد آموزش و پرورش فراگیر

آگاه سازی و تغییر نگرش افراد جامعه، به منظور آموزش و پرورش فراگیر، به مشارکت جمعی و بهره گیری از تجارب و دانش تمامی دست اندرکاران نیاز دارد. بدین منظور باید با تعامل و بهره گیری از رهنمودهای پیشگامان این رویکرد در مورد تربیت نیروی انسانی متخصص تلاش جمعی انجام شود؛ زیرا «فراگیرسازی آموزش و پرورش»، که بر مبنای رویکرد اجتماعی به نیازهای ویژه کودکان، پا به صحنه آموزش و پرورش جهان گذاشته است برای موفقیت، علاوه بر تغییر نگرش و عملکرد معلمان و مدارس، به تغییرات بنیانی در نظام آموزش و پرورش نیازمند است (یونسکو، ۱۳۸۴)

معلم خوب؛ زیربنای توسعه آموزش و پرورش

جایگاه معلم به عنوان عامل توسعه فرهنگی بسیار با اهمیت است و لذا معلمان خوب، در بهبودی و پیشرفت مدارس تأثیر بسزایی دارند. معلم خوب به دنبال اثربخشی و یادگیری دانش آموزان است و این اثربخشی بر روی کیفیت تدریس معلم دور می زند، حال باید به این پرسش پاسخ داد که راه های کیفیت بخشی معلمان چگونه است؟ الف- مقررات جذب، آموزش و نگهداری معلمان را کنترل، ارزشیابی و سپس به صورت مستمر استاندارد نماییم؛ ب- به توسعه دستاوردهای علمی رضایت بخش اقدام کنیم (افزایش جدیدترین اطلاعات برای معلم).

برای نیل به توسعه، به اهداف نیاز است آن هم اهداف بزرگ داشتن، اما باید آن ها را کوچک و کاربردی نمود، تا معلمان بتوانند نسبت به سهم خود در توسعه کیفی نیروی انسانی، در قبال دانش آموزان عمل نمایند.

وظایف معلم نسبت به دانش آموز امروز

- ۱- چگونه دانستن را به بچه ها بیاموزد (به جای یک وعده غذای ماهی دادن، راه های ماهیگیری را یاد بدهد)؛
- ۲- چگونه انجام دادن فعالیت ها را بیاموزد؛
- ۳- چگونه با دیگران زیستن را بیاموزد؛
- ۴- چگونه رشد پیدا کردن را بیاموزد؛
- ۵- مهارت کیفی کردن کارها را بیاموزد.

تنگناهای فراروی تحول و توسعه آموزش و پرورش در ایران

اگر بخواهیم تنگناهایی که فراروی آموزش و پرورش ایران، برای رسیدن به توسعه ای فراگیر و پایدار قرار دارد به طور دقیق ارزیابی و شناسایی کنیم، حکایت مثنوی و صد من کاغذ می شود، اما این، واقعیتی است که تنگناها را باید فرصت قلمداد کرد و



آن‌ها را با توجه به تجربه‌های جدید، از قبیل مردم‌سالاری دینی، الگوسازی برای جهان و به‌ویژه جهان اسلام حل کرد. حقیقتاً دسته‌اول این تنگناها جهانی می‌باشند و با توجه به گسترش ارتباطات بر ما تحمیل می‌شوند، دسته‌دوم ملی هستند و لذا با توجه به ۲۵۰۰ سال حکومت استبدادی بر این کشور، بازسازی فرهنگی را طلب می‌کند، و دسته‌سوم تنگناهایی است که خاص نظام آموزش و پرورش ما می‌باشد. به خصوص گستردگی بیش از حد خانواده آموزش و پرورش سبب شده است که بخش اعظمی از بودجه، یعنی قریب به ۹۷ درصد آن، صرف هزینه‌های پرسنل شود. اما امر به اینجا ختم نمی‌شود. از ابعاد دیگری از این تنگناها در این بخش یاد شده است.

به گفته زوان زائو، «چالش‌هایی که در آستانه ورود به قرن بیست‌ویکم با آن‌ها مواجه هستیم از حیث شدت و دشواری بی‌سابقه‌اند. در عین حال فرصت‌هایی که برای تقویت همبستگی بین‌المللی پیش روی ما قرار دارند نیز فراوان‌اند. ما با حسن استفاده از این فرصت‌ها باید به مصاف این چالش‌ها برویم.»

«تعلیم و تربیت گرچه نقش اساسی بر عهده دارد، اما نمی‌توان از آن انتظار معجزه‌ای برای درمان تمامی دردها را داشت. از سوی دیگر، گنج‌هایی در اختیار ما قرار دارند که می‌توانیم به آن‌ها روی آوریم. این گنج‌ها در درون ما نهان شده‌اند. با جای دادن سه‌چهارم جمعیت جهان در خود، که همگی سخت‌کوش، خلاق و باهوش هستند، باید منطقه آسیا را از نظر برخورداری از منابع ارزشمند، غنی‌تر بدانیم. آنچه مورد نظر است تعلیم و تربیت بهتر و بیشتر و یادگیری بدون وقفه در سراسر زندگی‌مان است. اگر بنا داریم عمارتی از تمدن مادی و معنوی بسازیم، چهار نوع یادگیری اساسی، ستون‌های اصلی این عمارت به شمار می‌آیند. چنانچه قصد داریم این ستون‌ها را به شکلی هرچه محکم‌تر، باثبات‌تر و انعطاف‌پذیرتر در برابر تغییرات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، که همیشه قابل پیش‌بینی نیستند، بسازیم می‌باید به طور مستمر یاد بگیریم که بدانیم، انجام دهیم، انسان باشیم، و با یکدیگر زندگی کنیم.

اگر بخواهیم چشم‌انداز این تنگناها را به طور اخص در راه تحول و توسعه آموزش و پرورش ایران شناسایی کنیم، مختصر و مفید به این شرح می‌باشد:

- ۱- گسیختگی نظام تعمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و فقدان نهاد راهبردی و سیاست‌گذار؛
- ۲- ناتوانی نظام آموزش و پرورش در هماهنگی با تحولات کنونی جامعه و جهان؛
- ۳- فقدان جایگاه شایسته خود آموزش و پرورش در برنامه توسعه ملی؛
- ۴- ضعف ارتباط ارگانیک و پویا در دو حوزه درون‌بخشی و برون‌بخشی آموزش و پرورش؛ ۵- کم‌بودن کارایی درونی نظام آموزش و پرورش. [6]

تحول و توسعه آموزش و پرورش؛ یک ضرورت



امروزه معلمی تنها شغلی است که وظیفه آموزش، تولید دانش و توسعه را به عهده دارد. از معلمان در قرن ۲۱ انتظار می‌رود که عامل توسعه باشند و کودکان را از فقر و جهل نجات دهند و نیز کلیه افراد جامعه را به سواد پایه مجهز کنند تا زمینه را برای توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع فراهم نمایند.

معلمان باید مهارت لازم را در نیروی کار فراهم آورند. در عصر جهانی شدن از معلمان انتظار می‌رود که تأثیرات منفی جامعه اطلاعاتی را از بین ببرند و دانش‌آموزان را با فرهنگ مجازی جامعه آشنا کنند و خلاصه اینکه ابعاد اجتماعی، عاطفی، فنی و عقلانی دانش‌آموزان را به مناسب‌ترین شکل خود پرورش دهند.

با توجه به این انتظارات، در عصر جهانی شدن، معلمان کماکان از ضروریات نظام آموزشی هستند و کیفیت آموزش تا حدود بسیاری به کیفیت تدریس و تلاش معلمان بستگی دارد.

درست به گونه‌ای که کارگران مطاع به صورت عامل کلیدی در تولید و فرآیند صنعت مؤثر هستند، آموزش و پرورش نیز به طور منطقی به کیفیت سرمایه انسانی، یعنی معلمان، بستگی پیدا می‌کند. واضح است که والدین نیز در هر راهبرد آموزشی، سهم مهمی دارند، اما اغلب، والدین انتظار دارند که معلمان به فرزندان آن‌ها آموزش دهند.

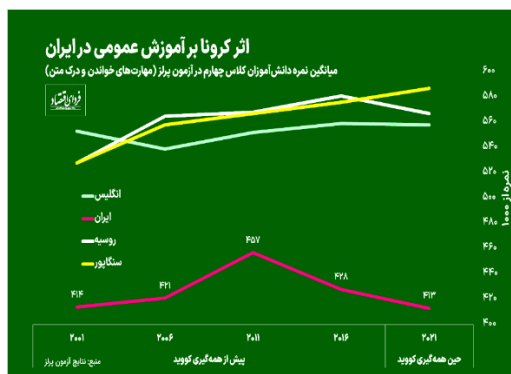
اگرچه شغل معلمی بسیار حساس است، سیاست‌گذاران آموزشی نیز نیاز دارند که تصویر روشنی از معلمان خود داشته باشند و نیز بدانند که معلمان چگونه به جایگاه خود در نظام آموزشی نگاه می‌کنند و نوع مشوق‌ها، قوانین و مقررات و آموزش‌هایی که تلاش آن‌ها را افزون می‌کند و توانایی آن‌ها را در انتقال دانش به شاگردان بهبود می‌دهد و همچنین منزلت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی آن‌ها را محاسبه می‌کند کدام است.

در یک جامعه نوپید، درک این مسأله مهم است که مدیران دانا و توانا، به معلمان، به مصداق چراغ راهنمای جامعه بنگرند؛ زیرا معلمان هستند که دانایی تولید می‌کنند. در نتیجه، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران باید به ضرورت «تغییر معلمان برای جهان در حال تغییر بیندیشند».

چهارمین گزارش یونسکو در زمینه آموزش و پرورش جهان، تحت عنوان (معلمان و تدریس در جهان در حال تغییر) اختصاص دارد. بررسی نقش و منزلت اجتماعی معلمان در جهانی که دستخوش تغییرات سریع است، به ویژه تغییر در زمینه ارتباطات و اطلاعات، موضوعی است که آشکارا بر جایگاه و موقعیت معلمان تأثیر می‌گذارد.

این گزارش اعتبار اظهاراتی را که به کرات، در مورد کاهش منزلت اجتماعی معلمان شنیده می‌شود به تفصیل بررسی، و با استدلال بیان می‌کند که آنچه در حال حاضر در اکثر کشورها از معلمان انتظار می‌رود متناسب با پاداش‌هایی که به معلمان داده می‌شود نیست.

معلمان، نه تنها به سبب تعدادشان، بلکه بیشتر به دلیل آنکه ضامن تعلیم و تربیت نسل‌های آینده هستند، نیروی مهم جامعه تلقی می‌شوند و فقط از راه حمایت بیشتر از معلمان است که می‌توان از آنان انتظار فزون‌تر داشت تا نتیجه حاصل شود.



نمودار یک : میانگین نمره دانش آموزان چهارم در آزمون پرلز

آخرین گزارش از عملکرد دانش آموزان ایرانی در آزمون بین المللی پرلز نشان از افت کیفیت تحصیلات ابتدایی در ایران طی ده سال اخیر می دهد. به طوری که میانگین نمره دانش آموزان شرکت کننده - که عموماً کلاس چهارم را تمام کرده اند- در زمینه خواندن و درک متن در ۲۰۱۶ پایین تر از ۲۰۱۱ و در ۲۰۲۱ پایین تر از ۲۰۱۶ بوده است. نمودار شماره یک از گزارش یادشده این موضوع را نشان می دهد [7].

آسیب های مدارس غیردولتی



نمودار دو : آسیب شناسی مدارس غیردولتی



۴- نتیجه گیری

آموزش و پرورش باتوجه به مسئولیت آن در تربیت میلیون ها دانش آموزان، نیازمند نگاهی نو با برنامه ها و راهکارهایی نو است. به عبارت دیگر تحول در آموزش و پرورش ضرورتی انکارناپذیر و امری بدیهی محسوب می شود. ارائه شیوه ای جدید از تلفیق تجارب مفید گذشته و برنامه های آموزشی و پرورشی پیش رو با نگاه به توسعه جهانی و فواید و مضرات آموزش جهانی و با حفظ اصول و ارزش های مقدس نظام جمهوری اسلامی این ضرورت را مضاعف می نماید. لذا تا رسیدن به عدالت آموزشی، فرهنگی و ... نیازمند پنج گام اساسی و حیاتی می باشیم: شناخت تحول در آموزش و پرورش در عرصه ها و راهکارهای جدید آن؛ نیازسنجی کلان آموزش و پرورش؛ ارائه خدمات به کل عوامل تأثیرگذار در نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر نتایج نیازسنجی؛ بازخورد و ارزیابی خدمات ارائه شده؛ استفاده از خرد جمعی.

- ۱- دنبال کردن فراگیری سیاست های توسعه انسانی؛ زیرا جامعه ایران بر اثر سیاست های مختلف ده های قبل، رشد و توسعه انسانی همگونی ندارد، لذا ضرورت داشتن نگرشی فراگیر و جامع نگر در برنامه ریزی توسعه انسانی کشور بسیار حیاتی است.
- ۲- پایداری در الگوی توسعه انسانی؛ زیرا تحولات آموزش و پرورش نیازمند گذشت مدت زمانی طولانی است. پایداری، برنامه ریزی و جهت گیری اصلاح توسعه انسانی کشور، کلید اثربخشی و ماندگاری تأثیرات توسعه انسانی کشور محسوب می شود [8].



منابع

- ۱-رابسون ماتیوس (۱۳۸۵). کیفیت در آموزش و پرورش، ترجمه عربعلی رضایی، چاپ چهارم، تهران، وزارت آموزش و پرورش، دفتر همکاری های بین المللی.
- ۲-صبوری خسروشاهی، حبیب. (۱۳۸۸). آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن؛ چالش ها و راهبردهای مواجهه با آن. *مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*. 1(1), 153-196.
- ۳-عظیمی، حسین (۱۳۸۲). نقش آموزش و پرورش در توسعه، انتشارات : پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- ۴-فرجزاده، محمد رضا، میرزایی، نورالدین؛ کمالی، نقی (۱۴۰۲). شناسایی چالش های یاد دهی- یادگیری مجازی در آموزش و پرورش دوره ابتدایی. *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی*. 17(1), 190-213.
- ۵-کدیور، پروین؛ ابراهیمی قوام، صغری (۱۳۸۳). جهانی شدن و تعلیم و تربیت : پژوهشکده تعلیم و تربیت لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۲). جامعه شناسی توسعه: دانشگاه پیام نور.
- ۶-مشایخ، فریده (۱۳۶۹). فرایند برنامه ریزی آموزشی، تهران : انتشارات مدرسه
- ۷-نظری ولنی، لاله، احمدی ارکمی، ابوطالب، و عباسی، اسداله. (۱۳۹۵). تحلیل چالش های فراروی آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن با استفاده از مدل واردن. *کنفرانس بین المللی روان شناسی، علوم تربیتی و رفتاری*.
- ۸-یونسکو (۱۳۸۴). آموزش و پرورش فراگیر، ترجمه ابوالفضل سعیدی، پژوهشکده کودکان استثنایی.